

درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی

نویسنده: دکتر روح‌الله احمدزاده کرمانی^۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۷/۱۷

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۸۸

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، در طی فرایند تکوین و تکامل خود در طول سه دهه پرفراز و نشیب، با حجم‌های گوناگونی از سوی نظام سلطه سرمایه‌داری مواجه بوده است. این نوشتار، در پی آن است تا با ارائه الگویی مفهومی از مراحل تکامل سیر انقلاب اسلامی و نیز نحوه تعامل خصمانه کشورهای سلطه‌طلب با جمهوری اسلامی ایران، راهبردهای اتخاذ شده از سوی آنان را مورد بررسی و نقد قرار دهد و در ادامه، راهبرد هژمونی نظام لیبرال سرمایه‌داری (راهبرد جنگ نرم) را در مقطع فعلی بازشناسی و تبیین کرده، ابعاد پیچیده و متغیرهای مؤثر در تحقق جنگ نرم را آشکار کند.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، جنگ نرم، مدیریت احساسات، مدیریت ادراکات.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (تهران شرق)

۱. مقدمه

استفاده انسان از ابزارهای ترغیب یا اقناع در مسیر رسیدن به اهداف مشخص، قدمتی به درازای خود تاریخ دارد. با این وصف، نقطه آغاز تلاشهای صورت گرفته برای مطالعه و تدوین علمی و نظام‌مند چگونگی این فرایند به نحوی نظام‌یافته و قابل پیش‌بینی، محدود به همین نیم قرن اخیر است. در واقع؛ از دهه ۱۹۴۰ میلادی به بعد است که مشاهده می‌شود پژوهشگران علوم اجتماعی درصدد تحلیل و شناخت نحوه به کارگیری ابزارهای روان‌شناختی در پیشبرد اهداف نظامی و حاکمیتی مشخص برآمده‌اند. (Holt & Van de Valde, 1960, P.1)

تاریخ زیست اجتماعی بشر همواره بیانگر آن است که آدمی به واسطه تعارض در منافع یا تنافر در سلايق یا به دلیل تضاد در عقاید و باورها، در شرایط تنازع و تخصم فردی یا گروهی قرار گرفته است. با این وصف، در برهه‌هایی از زمان - که ماهیت و فلسفه تنازع و جنگ، عقاید و باورها بوده است - عمق، شدت و زمان منازعه و مجادله نیز بیشتر بوده است. نمونه بارز آن را در ادیان ابراهیمی، به خصوص دین مبین اسلام می‌توان یافت که هر گاه دعوت به توحید و یکتاپرستی و گسترش عدالت و نفی طاغوتها تحقق یافت، فراعنه تاریخ و جباران عالم در برابر موحدان صف‌آرایی کرده‌اند تا بلکه بتوانند فاتحانه جبهه حق را مغلوب و کفر را بر ایمان غالب آورند؛ آنچنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً؛ آنان [کفار] خوش دارند که شما نیز مانند آنان کفر بورزید و در نتیجه همانند باشید». (نساء، آیه ۸۹)

به هر حال، این جنگ و ستیزها از حیث ماهوی، گاهی کم‌شدت یا شدید بوده است و از حیث موضوع، گاهی نظامی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی بوده است و در دوره‌های اخیر در اشکال متنوعی چون: جنگ گرم یا سرد، جنگهای آشکار، نیمه‌پنهان و پنهان یا جنگهای سخت، نیمه‌سخت و جنگ نرم تجلی یافته است.

انقلاب اسلامی ایران، که جوشش نوینی از اعتقاد زلال اسلام ناب محمدی(ص) در دوران عسرت و تنگنای تاریخی نظام سرمایه‌داری مدرن بود، با تشکیل و تقویت

صف‌بندی جدیدی از جبهه حق و باطل، انحراف عظیم تاریخی ناشی از تحریف حقایق توسط نظام سلطه سرمایه‌داری و سوسیالیسم را برجسته ساخت و در اوج اعتزاز این نقطه عطف تاریخی (انقلاب اسلامی)، جبهه کفر شروع به حمله به آن کرد و این، یک واقعیت است که به مجرد آنکه یک نهضت اجتماعی اوج گرفت و جاذبه پیدا کرد و موجودیتش تثبیت شد و مکتبهای دیگر را تحت‌الشعاع قرار داد، سایر مکاتب انحرافی برای رخنه در آن و نابود کردن آن از درون، مبادرت به تخریب و انحراف و بی‌اثرسازی آن می‌کنند. (علیخانی، ۱۳۸۷، ص ۸۴)

در این نوشتار، سعی خواهد شد تا از منظری تحلیلی - تاریخی، فرایند تکوین و شکوفایی انقلاب اسلامی و انحای هجمله‌های جبهه کفر به نظام اسلامی، در قالب یک مدل مفهومی مورد بازخوانی و توضیح قرار گیرد و در این میان، در خصوص یکی از حساس‌ترین مراحل این هجمله؛ یعنی «جنگ نرم» جریان باطل در مقطع فعلی، کندوکاو و بررسی دقیق‌تری صورت پذیرد.

۲. چیستی جنگ نرم

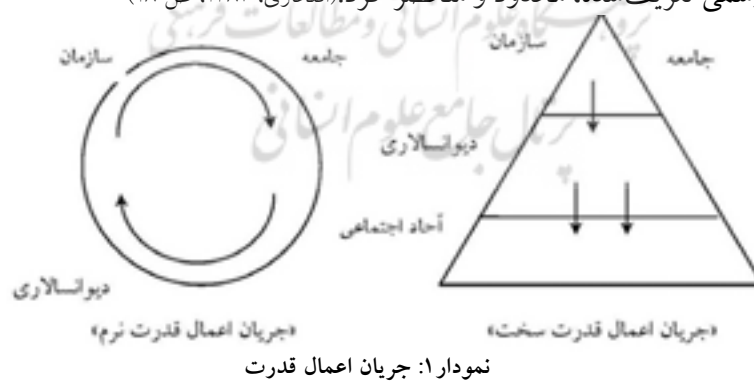
برای فهم دقیق‌تر اصطلاح «جنگ نرم»، محتاج شفاف کردن تعریف دو اصطلاح دیگر؛ یعنی «قدرت نرم»^۱ و «تهدید نرم»^۲ هستیم. قدرت نرم، به معنای توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جلب دیگران به جای استفاده از زور دانسته شده است. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موّجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی و قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران دانسته شده است (نای، ۱۳۸۲). از چشم‌انداز ارتباطات بین‌الملل می‌توان قدرت را در عرصه روابط بین‌المللی به سه دسته کلی تقسیم کرد: قدرت سخت یا همان قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت نرم.

1. Soft War
2. Soft Power
3. Soft Threat

هر یک از این سه نوع قدرت برای مقاصد خاصی، با نمودهای رفتاری متفاوت و طی سیاستهای مختلفی توسط حکومتها اعمال می‌شوند. قدرت نظامی به قصد اجبار و بازدارندگی طرف مقابل و از طریق دیپلماسی قهرآمیز اعمال می‌گردد. قدرت اقتصادی به قصد ایجاد نوعی برانگیختن کشورهای خاص و از طریق تشویق یا تحریم اقتصادی یا تطمیع و کمکهای مالی اعمال می‌شود. اما قدرت نرم با نیت ایجاد جذابیت برای خود یا تنظیم اولویتهای طرف مقابل، به وسیله ابزارهایی مانند فرهنگ، انتقال ارزشها و نهادهای اجتماعی و از طریق دیپلماسی عمومی^۱ اعمال می‌شود. (احمدزاده کرمانی و اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۶۸)

قدرت نرم، بر خلاف «قدرت سخت»^۲ که دارای ساختاری هرمی با منطق سلسله‌مراتبی و از سمت بالا به پایین است، در ساختاری دایره‌ای و فاقد اضلاع تعریف می‌شود که در آن، بر خلاف مدل سلسله‌مراتبی که امکان دیالکتیک کلیه اجزا و عناصر در آن واحد میسر نیست، منطق دیالکتیک در آن بازتولید می‌گردد.

همان گونه که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود، در مدل قدرت سخت، قدرت در چارچوب آمریت معنا یافته و مبتنی بر پذیرش اصل گسست بین عامل و موضوع قدرت و درجه‌بندی بازیگران قدرت است؛ در حالی که قدرت نرم با عنصر «اقناع» تعریف می‌شود. لذا گسستهای متعارف بین عامل و موضوع قدرت معنا ندارد و قدرت در فضای ارتباط متقابل پدید می‌آید. در قدرت نرم، تأثیر عامل و موضوع قدرت بر یکدیگر مفروض است و در چنین رویکردی، منطق تولید و کاربرد قدرت نرم را نمی‌توان به روابط رسمی تعریف شده، محدود و منحصر کرد. (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۸)



1. Public Diplomacy
2. Hard Power

اما، دومین مفهوم در کنار مفهوم قدرت نرم، مفهوم تهدید نرم است. تهدید نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم، نوعی زمینه مسلط در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه، محقق می‌شود.

بر خلاف تهدیدهای سخت^۱ که متکی به روشهای فیزیکی، عینی، سخت‌افزارانه و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، براندازی آشکار و با استفاده از شیوه اجبار و اشغال سرزمینی است، تهدیدهای نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی انجام می‌پذیرد و محصول پردازش ذهنی نخبگان این حوزه و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ در حالی که حوزه تهدیدهای سخت، امنیتی و نظامی است. (نائینی، ۱۳۸۶)

با روشن شدن دو مفهوم قدرت نرم - که توصیف‌کننده ماهیت نرم‌افزاری قدرت ملی است - و تهدید نرم - که مبین ماهیت نقاط آسیب‌پذیر و تهدیدساز در ابعاد فرهنگی - اجتماعی و سیاسی ملی است - مفهوم جنگ نرم را می‌توان بهتر مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در فضای تهدیدها و قدرت نرم، جنگ نرم در حقیقت شامل هر گونه اقدام نرم‌افزارانه اعم از روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی است که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۶)

جنگ نرم امروزه با بهره‌گیری از حوزه‌هایی چون: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی مجازی (تصویرسازی)، تجربه کاملاً متفاوتی از رویارویی کشورها را به منصفه ظهور رسانده است. در عصر حاضر، تصویرسازی^۲ موضوعیت یافته است؛ بدین معنا که بازیگران سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، از رقیبان خود «تصویری مجازی» تولید کنند که امکان جایگزین شدن با واقعیت را داشته باشد. بدین

1- Hard Threat
2 - Image Making

ترتیب، واقعیهایی مجازی شکل می‌گیرد که از یک سو با آنچه در جهان خارج می‌گذرد، منطبق نیستند و از سوی دیگر، بهره‌ای از واقعیت را دارا هستند و افکار عمومی و تصمیم‌سازان نیز بر اساس آن، تحلیل و حتی اقدام می‌کنند. به عبارتی؛ در فضای جنگ نرم به جای دستکاری واقعیتها به تولید واقعیت پرداخته می‌شود. (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۶)

جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ سایبری و جنگ اطلاعاتی را از جمله مصادیق جنگ نرم به شمار می‌آورند.^۱ در کنار مفهوم جنگ نرم، مفاهیمی چون جنگ سخت که ناظر به شرایط و اقدامات نظامی، تسلیحاتی و مبتنی بر سلطه سرزمینی می‌باشد و نیز جنگ نیمه‌سخت که در شرایط خاص سیاسی و اقتصادی و با هدف افزایش فشارها و تحریمها در جهت تغییرات رفتاری حکومتها یا سلطه حاکمیتی و ایجاد نوعی حکومت وابسته و دست‌نشانده انجام می‌پذیرد، از جمله مفاهیمی هستند که فهم آنها در تکوین نظام مفهومی و معرفتی جنگ نرم، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

جنگ نرم، ضمن آنکه می‌تواند به منظور پشتیبانی از یک عملیات نظامی اجرا گردد، همچنین می‌تواند برای پشتیبانی از سیاستهای اقتصادی، دیپلماتیک و اطلاعاتی مشخص نیز دنبال شود؛ که بارزترین مصادیق آن، تحریمهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. (جزوه تخصصی شماره ۳۰-۰۵-۳ ارتش ایالات متحده آمریکا، آوریل ۲۰۰۵)

۳. مدل مفهومی - تاریخی جنگ نرم

بر اساس مفاهیم ملهم از منویات مقام معظم رهبری (دام‌الله)، می‌توان مشخصاً پروسه تکاملی و تاریخی انقلاب اسلامی را در پنج مرحله کلان تاریخی از هم تفکیک کرد و بر اساس آن، نحوه و الگوی تعامل نظام سلطه سرمایه‌داری را از حیث ماهیت جنگ و ماهیت مقاصد و اهداف قدرتهای هژمونیک بین‌المللی مورد واکاوی قرار داد.

۱. در این خصوص مراجعه به منابع ذیل مفید است:

الف- الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات (آلبرتس، ۱۳۸۵: ویژه جنگ اطلاعاتی)

ب- جنگ نرم (جنگ رسانه‌ای، نبرد در عصر اطلاعات، عملیات روانی، جنگ رایانه‌ای: انتشارات ابرار

معاصر: ۱۳۸۶)

مرحله اول: انقلاب اسلامی

«قدم اول، که پرهیجان‌تر و پرسر و صداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۱۲). «این انقلاب، اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزشهای معنوی آغاز شده است» (همان، ۱۳۶۹/۱۱/۱۷). «یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزشها» (همان، ۱۳۷۹/۲/۲۳). «انقلاب بزرگ ما، خصوصیات مخصوص به خود دارد. این خصوصیات، که بارها هم در تحلیلهای ملتها و آشنایان با انقلاب تکرار شده است، اولین بار است که در یک انقلاب مشاهده می‌شود؛ تکیه به اسلام، هدف‌گیری ایجاد حکومت اسلامی، تجدید نظر در مفاهیم سیاسی عالم مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و چیزهای دیگر و حرکت به سمت دنیا و جامعه‌ای که بر پایه ارزشهای اسلامی بنا شده است» (همان، ۱۳۶۹/۳/۱۴).

در حقیقت؛ در این مرحله از فرایند تاریخی، مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، غایت‌شناختی و ارزشهای متعالی منظومه تفکر اسلامی و شیعی به طور رسمی مطرح و مورد استقبال عموم قرار می‌گیرد.

مرحله دوم: نظام اسلامی

«قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی؛ یعنی [اینکه] هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود که این هم شد» (همان، ۱۳۸۰/۹/۱۲). «منشور اصلی جمهوری اسلامی، که [همان] قانون اساسی مترقی و جامع ما است [پدید آمد]» (همان، ۱۳۷۷/۱۲/۳). «قانون اساسی، میثاق امت با انقلاب است. قانون اساسی، ستون فقرات نظام است؛ در حقیقت؛ [قانون اساسی] مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است؛ [قانون اساسی] معیار و ضابطه است» (همان، ۱۳۶۹/۳/۱۴).

در این مرحله، مبادی ارزش‌شناختی و آرمانهای دینی و انقلاب اسلامی، شکلی منسجم و نظام‌یافته و متعین پیدا می‌کند. به لحاظ تاریخی، می‌توان حدود سالهای ۶۹-۱۳۵۷ را بازه زمانی تحقق مراحل مزبور دانست. به طوری که می‌توان گفت مرحله جنینی و شکل‌گیری - یعنی، انقلاب اسلامی - و مرحله زایش - یعنی، نظام اسلامی -

در این بازه زمانی به وقوع می‌پیوندد. در این برهه، نظام جمهوری اسلامی گام تثبیت خود را پشت سر می‌گذارد.

در چنین دوره تاریخی، راهبرد نظام هژمونی غرب، «راهبرد تغییر ساختار»^۱ است؛ چرا که اساساً به لحاظ متغیرهای مختلف، از جمله اختلافات عقیدتی و سلیقه‌ای، در درون جریان‌های سیاسی و فکری و هم به جهت در حال گذار بودن ساختار حاکمیتی از سلطانیسم و اراده معطوف به آمریت استبدادی و استعماری، به ساختار حاکمیتی جمهوری و اراده معطوف به وحی و نیز عدم وجود مفصل‌بندی قوی در حوزه ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی و ساختار نوپای سیاسی، نظام جمهوری اسلامی را مستعد آسیب‌پذیری و تغییرات ساختاری می‌کرد.

از این رو، جبهه طماع غرب از طریق راه‌اندازی و تقویت گروه‌های معاند داخلی و سپس حمله نظامی به ایران، راهبرد جنگ سخت را با هدف تحقق «تغییر نظام» جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌کند که این اقدام توفنده و نابخردانه نظام سرمایه‌داری، منجر به ایجاد هزینه‌های هنگفت نظامی، انسانی، اجتماعی و امنیتی نه تنها برای ایران که برای منطقه خاورمیانه می‌گردد، بدون آنکه کوچک‌ترین دستاوردی برای قدرتهای سلطه‌طلب جهان به همراه داشته باشد.

مرحله سوم: دولت اسلامی
 «قدم بعدی که از اینها دشوارتر است، ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران [بلکه به معنای] مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. این [مرحله] مشکل‌تر از مراحل قبلی است» (مقام معظم رهبری، ۱۲/۹/۱۳۸۰). «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی است» (همان، ۲۱/۹/۱۳۷۹). این مرحله از فرایند تاریخی تحقق اهداف نظام، مرحله رشد درونزای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و در زمانی که راهبرد جنگ سخت پس از پایان جنگ تحمیلی هشت

1. Regime Change Strategy

ساله برای غرب، بی‌نتیجه و دستاورد بوده است و دشمن از راهبرد تغییر نظام به نوعی مأیوس شد، نظام سلطه مبادرت به طراحی راهبرد جنگ نیمه‌سخت می‌کند. در این دوره که علی‌القاعده باید بازه زمانی حدود سال ۶۸ تا اواخر دهه ۷۰ را در بر گیرد، تحریم‌های وسیع، پیچیده و فراگیر اقتصادی و نیز فشارهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان مکانیزم‌های تحت تأثیر قرار دادن ایران، اتخاذ می‌گردد. در این دوره، «راهبرد تغییر رفتار»^۱ جایگزین راهبرد تغییر ساختار (نظام) می‌گردد و به جای تمرکز در تغییر حکومت، به تلاش در جهت تغییر رفتار و کنش حاکمان ایران در قبال مسائل و مواضع اصلی ملی و بین‌المللی پرداخته می‌شود و در عمل از منظر راهبردی، نوعی عقب‌نشینی بین‌المللی را از سوی غرب در این دوره شاهد هستیم. در این برهه زمانی، کوشش در جهت روی کار آمدن حاکمان و دولتمردانی مرعوب، وابسته و دست‌نشانده که در برابر مطالبات نظام سلطه سرمایه‌داری، منفعل و منقاد باشند، جزء اصلی‌ترین تاکتیک‌های تحقق راهبرد جنگ نیمه سخت است.

مرحله چهارم: کشور اسلامی

«بعد از مرحله [فوق]، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آنگاه برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم. آنچه‌آن که قرآن تصریح دارد: «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره، آیه ۱۴۳). اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آنگاه مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۲/۹/۱۳۸۰). «اگر دولت به معنای واقعی اسلامی شد، آن وقت، کشور به معنای واقعی کلمه، اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای آن مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند. این می‌شود کشور اسلامی» (همان، ۱۳۷۹/۹/۲۱).

1. Behavior Change Strategy

مرحله پنجم: دنیای اسلامی (تمدن اسلامی)

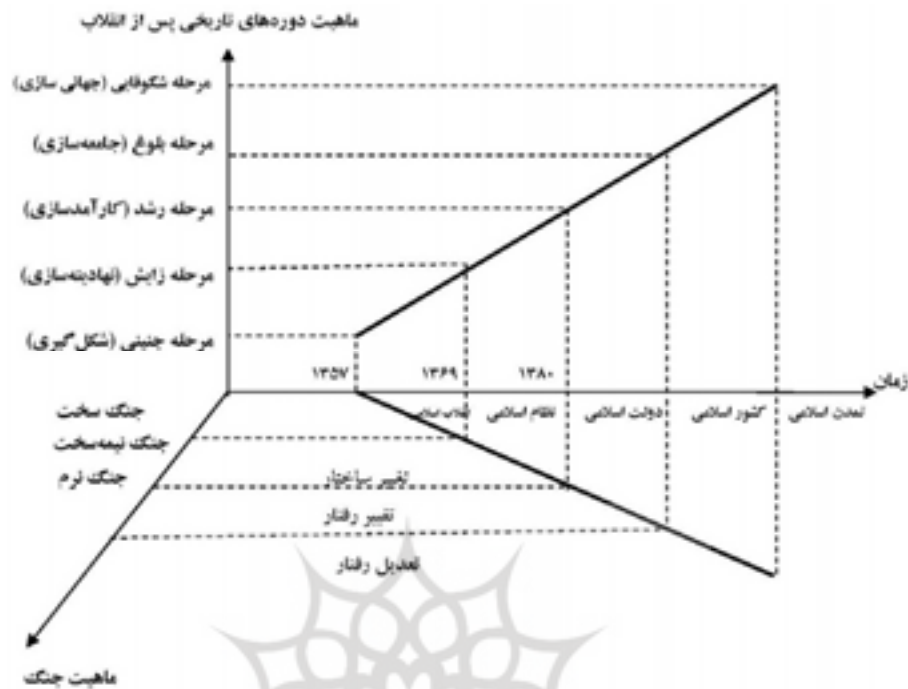
«در این مرحله، از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (همان، ۱۳۷۹/۹/۲۱). «امت اسلامی مجموعه‌ای انسانها هستند که از علم، اخلاق، حکمت، روابط صحیح و اجتماع برخوردار از عدالت بهره‌مندند و نتیجه همه اینها، رسیدن انسان به اوج تکاملی است که استعداد آن را خداوند در او قرار داده است» (همان، ۱۳۸۳/۶/۲۳).

به نظر می‌رسد پس از عقیم ماندن راهبرد جنگ سخت و نیمه‌سخت از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر دهه هفتاد، به تدریج غرب در صدد است تا از طریق جنگ نرم که زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن نیز به جهات سخت‌افزاری (فناورهای نوین) و نرم‌افزاری (محتوای متکثر و متنوع جدید) در مغرب‌زمین مهیا شده است، با اتخاذ «راهبرد تعدیل رفتار»، زمینه نوعی دیالکتیک فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی را فراهم آورد تا ضمن حفظ بقا و تداوم و پایایی خود در عرصه‌های فرهنگی، تمدنی و نیز سیاسی - اقتصادی، به طور پیچیده، خزنده و هوشمندانه‌ای، راهبرد تغییر رفتار و تغییر ساختار را توأمان پی بگیرد.

این در حالی است که ایران اساساً در آغاز دهه چهارم انقلاب اسلامی که دهه پیشرفت و عدالت است، در حال گذراندن مراحل بلوغ و شکوفایی خود است. در چنین مراحل حساس و سرنوشت‌ساز تاریخی، کارآمدترین و اثربخش‌ترین راهبرد مقابله با جمهوری اسلامی، راهبرد جنگ نرم است که زمینه «براندازی نرم» و «فروپاشی فرهنگی - اجتماعی» را فراهم خواهد آورد.

کلیه مراحل و راهبردهای فوق در قالب مدل مفهومی (نمودار ۲)، نشان داده شده است.

1. Behavior Modification Strategy



همان گونه که از نمودار پیداست، با وجود آنکه نظام جمهوری اسلامی در طول تاریخ در حال تکامل و رشد است و سیر صعودی مراحل تکوین خود را می‌پیماید، راهبردهای مقابله با نظام اسلامی که در قالب راهبردهای جنگ سخت، نیمه‌سخت و نرم تعریف شده، نوعی سیر نزولی و تنازل از مواجهه مستقیم با نظام را نشان می‌دهد. این امر ضمن آنکه حکایت از شکست نظام غرب در تعاملات خصمانه‌اش با کشور ما دارد، اما به جهت ماهیت پنهان، نامحسوس و حتی جذاب و فریبنده تاکتیکهای جنگ نرم، می‌تواند همچون «مونوکسیدی فرهنگی - اجتماعی»، مرگی خزنده و خاموش را برای کالبد تپنده و زنده نظام در پی داشته باشد. به کار بردن استعاره «اسب تروا» برای جنگ نرم، شاید بی‌معنا نباشد. طی جنگ تروا، به نقل از هومر، یونانیان اسب چوبی با شکوهی را بیرون دیوارهای تروا قرار دادند. مردم تروا آن را وارد شهر کردند و در نهایت، دریافتند که سربازان یونانی در درون آن اسب توخالی مخفی شده‌اند و از این راه،

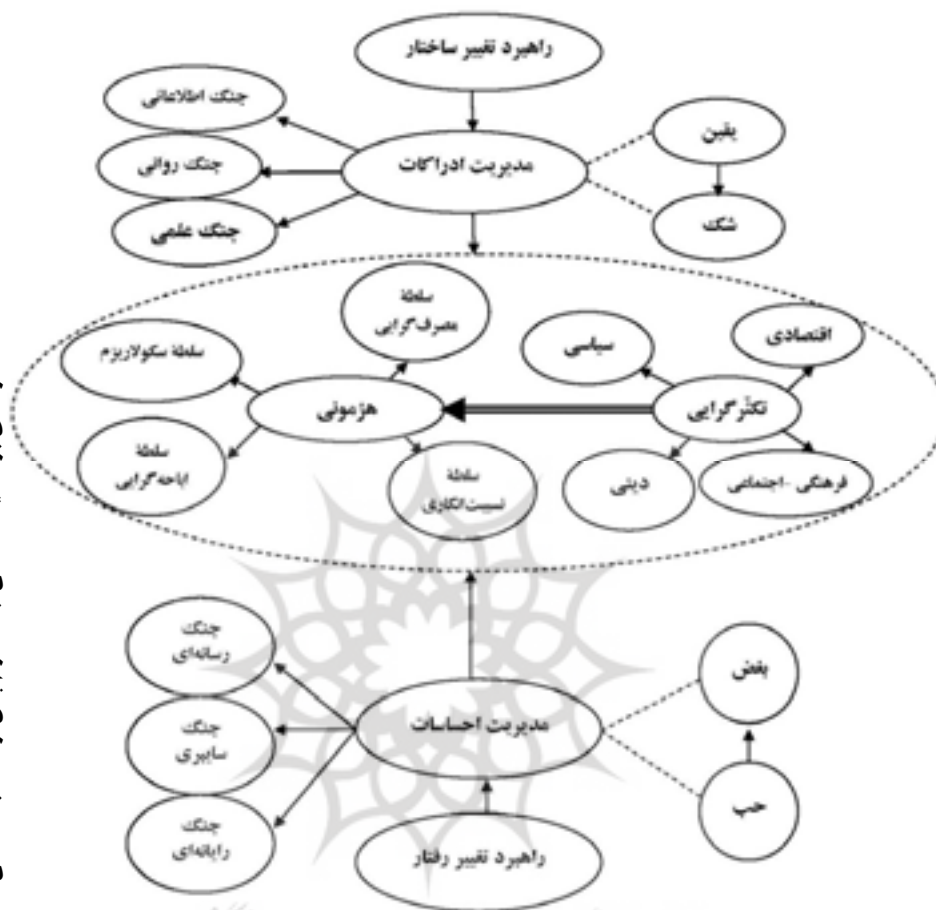
سربازان یونانی به راحتی از مرزهای مستحکم تروا عبور کردند و بر سر مردم تروا هجومی ناگهانی و غافلگیرانه آوردند. (حسن‌بیگی، ۱۳۸۴، ص ۸۶)

۴. جنگ نرم: از پلورالیزم حداکثری تا هژمونی حداکثری

شاید بتوان جوهری‌ترین و کلیدی‌ترین عناصر مفهومی جنگ نرم را در قالب چهار مفهوم «پلورالیزم، هژمونی، مدیریت ادراکات و مدیریت احساسات»، طبقه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد چنانچه راهبرد جنگ نرم بتواند از طریق مدیریت ادراکات و سیطره بر ذهن و عقل جامعه هدف و ایجاد نوعی اقناع، زمینه‌های تبدیل یقین به شک در مجموعه سیستم باوری (هنجارها، ارزشها، اخلاق، باورها، آداب و سنن) را به وجود آورد یا به واسطه مدیریت احساسات و سیطره بر روان و قلب جامعه هدف و ایجاد نوعی ارضاء، زمینه‌های تبدیل حبّ به بغض را در مجموعه سیستم ساختاری (حکومت، نظام رفاه و تأمین اجتماعی و اقتصادی، نظام توزیع قدرت رسمی و غیر رسمی) خلق کند، به تدریج زمینه‌های جایگزینی باورهای آلترناتیو و اعتقاد به الگوهای ساختاری بدیل در ذهن و روان مخاطبان جامعه هدف، تکوین و تقویت شده و در عمل، گفتمان رایج و غالب، ناکارآمد جلوه کرده و مجبور به انفعال در مواجهه با پادگفتمان جدید (گفتمان نظام سلطه) خواهد شد. این امر؛ یعنی تحقق تکثرگرایی معرفتی، دینی، سیاسی و اقتصادی در جامعه هدف و نتیجه قهری تحقق حداکثری تکثرگرایی، تعیین یافتن هژمونی حداکثری نظام سلطه سرمایه‌داری در ابعاد سلطه نسبیّت‌انگاری اخلاقی، اباحه‌گرایی مذهبی، سکولاریزم سیاسی و مصرف‌زدگی اقتصادی است. بدیهی است این فرایند پیچیده، محتاج شکل‌گیری جنگ رسانه‌ای، اطلاعاتی، علمی، سایبری و عملیات روانی است تا بتواند در مدت‌زمانی معین، زمینه‌های فروپاشی فرهنگی - هویتی و سیاسی - اقتصادی را فراهم آورد و پس از محقق کردن راهبرد تعدیل رفتار، به تدریج راهبرد تغییر رفتار و تغییر ساختار را نیز فراهم آورد.

1. Persuasion
2. Satisfying

خلاصهٔ مباحث در قالب نمودار ۳ بیان شده است.



نمودار ۳. راهبرد جنگ نرم

آن چنان که در نمودار فوق نیز پیداست، حوزه‌های مختلف تحت تاثیر جنگ نرم، در خلال فرایندهای پیچیده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، می‌تواند به تدریج زمینه‌های بروز تناقضات شناختی و تضادهای روانی را پدید آورد؛ به گونه‌ای که پس از شکل‌گیری این تناقضات و تضادها، به تدریج نوعی تعارض ارزشی و گرایشی در جامعه هدف شکل گرفته و بستر ایجاد گسل‌های اجتماعی موگد بحران، نضج یابد. به عنوان مثال، زمانی که آحاد اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت عالی و دانشگاهی در تناقضات شناختی

ناشی از علوم انسانی ترجمه‌ای و وارداتی، گرفتار می‌آیند و باورهای یقینی آنان تبدیل به تردیدهای مزمن می‌شود و از دیگر سو، هنگامی که در نظام تولیدات فرهنگی ترجمه‌ای و گرته‌برداری شده در حوزهٔ رمان، سینما، تئاتر، موسیقی و...، گرایشهای روانی آنان از تمایل و حب نسبت به حوزه‌های بومی و اصیل فرهنگی به نوعی بی‌تفاوتی، انفعال و بی‌علاقگی نسبت به این حوزه‌ها تبدیل شده و روند واگرایی شناختی و روانی به تدریج توسعه و تکمیل می‌یابد، این امر بازتابهای رفتاری در سیستم اجتماعی از خود به جا خواهد گذاشت. از جملهٔ این بازتابها، می‌توان به رفتارهای اعتراضی نسبت به نظام ارزشی حاکم، رفتارهای معارض با نظام فرهنگی و بازتولید سبکهای نوینی از زندگی اجتماعی در سطح ملی و با انتظارات و سلايق تجدید شکل یافته و غیر بومی و نمادهای نامتجانس فرهنگی اشاره کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با آنچه طی این نوشتار آمد، باید اذعان داشت که هر چند انقلاب شکوهمند اسلامی در مسیر نیل به آرمانهای خود مسیر سنگلاخی و پرفراز و نشیبی را پشت سر نهاده است، اما امروز نحوهٔ آرایش پیچیدهٔ نظام سلطهٔ سرمایه‌داری اقتضا دارد تا نظام جمهوری اسلامی واکنش هوشمندانه‌تری را اتخاذ کند و با توجه به راهبرد جنگ نرمی که ابعاد و مؤلفه‌های آن در این تحقیق بازشناسی و تعریف شد، به طور منطقی باید نقاط آسیب احتمالی در حوزهٔ جنگ نرم در زمینه‌های مدیریتی و اقتصادی و هنری به طور جدی، بررسی و تدابیر و تمهیدات لازم تدوین شود. از دیگر سو، ضمن احصای فرصتهای داخلی، نقاط آسیب‌جبههٔ دشمن نیز شناسایی و زمینهٔ تدارک اقدامات آفندی در خصوص جنگ نرم مهیا شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدزاده کرمانی، روح‌الله و محمدصادق اسماعیلی (۱۳۸۷)؛ فرهنگی شدن سیاست خارجی: رویکردی نرم‌افزارانه، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق(ع).
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)؛ قدرت نرم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق(ع).
۴. حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۴)؛ حقوق و امنیت در فضای سایبر، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۵. علیخانی، اسماعیل (۱۳۸۷)؛ صفت‌بندی سیاسی در قرآن، تهران، علمی و فرهنگی.
۶. ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۶)؛ «راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه عملیات روانی، ش ۱۸.
۷. میلسن و همکاران (۱۳۸۸)؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
۸. نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۶)؛ «تهدید نرم»، فصلنامه عملیات روانی، ش ۱۶.
۹. نای، جوزف (۱۳۸۲)؛ «قدرت نرم»، ترجمه محمد حسینی‌مقدم، فصلنامه راهبرد، ش ۲۹.
10. Field Manual NO. 3-05.30; MCRP 3-40.6; Psychological Operations; Department of the Army; Washington, DC, 15 April 2005
11. Holt, Robert T. and Robert W. van de velde (1960). **Strategic Psychological Operations and American Foreign Policy**, the University of Chicago Press.